

A Futuristic Study of Virtual Social Networks with Scenario Writing Approach

Malihe Moosanezhad^{1*}, Elham Shirdel²

1. Ph.D. Student in Cultural Policymaking, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran

(Received: March 10, 2021; Accepted: April 14, 2021)

Abstract

Social networks are a new generation of sites that are in the spotlight of global Internet networks users these days. These networks are expanding rapidly and have a significant impact on all social, cultural, economic, ecological and political dimensions of the individual and society. Meanwhile, one of the questions that has occupied many researchers is how users encounter virtual social networks. A review of the studies shows that the most of researches have dealt with this issue with a one-dimensional, descriptive and statistical perspective and have avoided using a futuristic approach. Therefore, the purpose of this article is to investigate the mechanism of exposure of individuals and the strategy of government organizations towards virtual social networks with a systematic and futuristic approach. This research has been done by using the documentary study method and the panel of experts. The statistical population of this study consisted of 14 media experts, and after conducting in-depth interviews with them, eight uncertainties were identified and among these eight categories, three categories were identified as the most important uncertainties. Finally, four scenarios were outlined for policy in the field of virtual social networks.

Keywords: Civic institutions, Futures studies, Government institutions, Social networks, Virtual social networks.

* Corresponding Author, Email: Malihe.moosanezhad@gmail.com

مطالعه آینده‌نگارانه شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد سناریونویسی

ملیحه موسی‌نژاد^{۱*}، الهام شیردل^۲

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵)

چکیده

شبکه‌های اجتماعی، نسل جدیدی از پایگاه‌های اینترنتی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه‌های جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. این شبکه‌ها به سرعت در حال گسترش‌اند و بر همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بوم‌شناختی و سیاسی فرد و جامعه تأثیر بسزایی دارند. در این میان، یکی از سؤالاتی که محققان بسیاری را به خود مشغول داشته است، نحوه مواجهه کاربران با شبکه‌های اجتماعی مجازی است. مروری بر مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌های انجام‌شده با دیدگاهی یک‌بعدی، توصیفی و آماری به این موضوع پرداخته‌اند و از به‌کارگیری رویکردی آینده‌پژوهانه بازمانده‌اند. بنابراین، هدف مقاله حاضر، بررسی مکانیزم مواجهه افراد، نهادهای مدنی و سازمان‌های دولتی در قبال شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکردی آینده‌پژوهانه است. این پژوهش، با به‌کارگیری روش مطالعه اسنادی و پانل خبرگان انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، متشکل از ۱۴ نفر از خبرگان عرصه رسانه بود، که پس از انجام مصاحبه عمیق با آن‌ها، هشت عدم قطعیت شناسایی شد، و از بین این هشت مقوله، سه مقوله به عنوان مهم‌ترین عدم قطعیت‌ها شناسایی گردید. در نهایت نیز چهار سناریو در جهت سیاستگذاری در زمینه شبکه‌های اجتماعی مجازی ترسیم شد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌های اجتماعی، نهادهای دولتی، نهادهای مدنی.

مقدمه

در چند سال اخیر شبکه‌های اجتماعی مجازی با محبوبیت کم‌نظیر جهانی روبه‌رو شده‌اند، به طوری که میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به عضویت این شبکه‌ها درآمده‌اند. روابط انسانی، نوع همکاری، وابستگی حرفه‌ای و بسیاری امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، خود را در بستر این شبکه‌ها ایجاد یا دنبال می‌کنند. بنابراین به لحاظ گستره کاربری می‌توان گفت در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، چیزی بیش از یک فضای اطلاعاتی جهانی وجود دارد. برخی معتقدند که یک بافت اجتماعی جدید در حال ساخته شدن است و ضروری است که فناوری به منظور کارکردی کردن خدمات تحت وب به رسمیت شناخته شود (Jarvis, 2011, p.297).

گسترده‌ترین ارتباطات تعاملی درون سایت‌های شبکه‌های اجتماعی روی می‌دهد، محیطی که در آن کاربر نیز تولیدکننده محتواست. روند جدیدی از تولید محتوا در فضای سایبری آغاز شده، که در رشد رسانه‌های مجازی نقش مهمی دارد. در این شبکه‌ها، بر عکس نسل اول وب، که مرسوم بود مدیر سایت تولید محتوا کند، کاربران تولید محتوا می‌کنند و آنچه در بستر شبکه‌ها جریان می‌یابد، بیشتر اخبار، اطلاعات و دیدگاه‌های کاربران است. بدیهی است در چنین فضایی بیشترین تبادل اطلاعات و تعامل‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. حجم اطلاعاتی که کاربران در این فضاها منتشر می‌کنند، به اندازه‌ای بالاست که هیچ وب نسل اولی قادر به تولید و انتشار این حجم انبوه از اطلاعات نیست. شبکه‌های اجتماعی فرصتی فراهم کرده‌اند که دسترسی به برخی اطلاعات امکان‌پذیر شود و محتوا بدون هزینه و دغدغه‌های تولید، منتشر و به اشتراک گذاشته شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی به محلی برای حضور اقشار مختلف جامعه و مکان تبادل آرا و افکار تبدیل شده‌اند (امیرپور و گریوانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). آمار استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال افزایش است، به طوری که طبق آخرین گزارشات مقامات دولتی ایران در سال ۱۳۹۵، ۷۲ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله در شبکه‌های اجتماعی عضویت دارند، به طور میانگین، ایرانی‌ها، ۵ الی ۹ ساعت از روز را، به حضور در شبکه‌های اجتماعی اختصاص می‌دهند، در حالی که میانگین آن در دنیا، ۱۶ ساعت در ماه است (فیروزآبادی، ۱۳۹۵). با توجه به آمار یادشده، شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در زندگی جامعه

ایرانی ایفا می‌کنند و توجه به این حوزه از اولویت‌های پژوهشی محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر، تحقیقات بی‌شماری در زمینه شبکه‌های اجتماعی انجام گرفته، ولی از یکسو حجم وسیعی از این تحقیقات، به ابعاد، آسیب‌ها، تهدیدات و پیامدهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی اختصاص یافته و فقط به بررسی یک بعد بسنده شده است و از سوی دیگر، عدم قطعیت‌های موجود بررسی نشده و آینده‌پژوهی و سیاستگذاری در این زمینه صورت نگرفته است؛ در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل انجام شده:

- عدم قطعیت‌های پیش روی شبکه‌های اجتماعی مجازی کدامند؟
- با توجه به عدم قطعیت‌ها، موج‌های اصلی مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی کدامند؟
- در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی چه سناریوهایی قابل طرح است؟

مبانی نظری

نخستین بار مبحثی با عنوان شبکه‌های اجتماعی در سال ۱۹۶۰، در دانشگاه ایلی‌نویز در ایالات متحده آمریکا مطرح شد که، بعد از آن، در سال ۱۹۹۷، نخستین سایت شبکه‌اجتماعی به آدرس اینترنتی SixDegrees.com راه‌اندازی شد. یک شبکه اجتماعی ساختاری اجتماعی و متشکل از پیوندهایی است که به صورت منفرد یا گروهی بهم مرتبط شده‌اند. روابطی همچون مبادلات مالی، دوستی، بازرگانی، پیوندهای وب و سرگرمی اساس ارتباط بین افراد می‌باشند. به بیان دیگر، شبکه‌های اجتماعی، به خصوص آن‌هایی که کاربردهای معمولی و غیر تجاری دارند، مکان‌هایی در دنیای مجازی هستند که مردم خود را به طور خلاصه معرفی می‌کنند و امکان برقراری ارتباط بین خود و هم‌فکرانشان را در زمینه‌های مورد علاقه‌شان دارند (آگروال، ۱۳۹۷، ص ۳).

تعریف‌های متعددی از شبکه‌های اجتماعی مجازی ارائه شده است؛ اما به طور کلی، در تعریف شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان گفت، سایت‌هایی هستند که از طریق یک موتور جست‌وجوگر، با اضافه شدن امکاناتی مانند چت، ایمیل و امکانات دیگر، خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه

به مرز، زبان، جنس و فرهنگ به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. یک شبکه اجتماعی وب‌سایتی است که در مرحله اول به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهد صفحات خود را روی آن ایجاد کنند و در مرحله دوم این امکان را می‌دهد که این صفحات براساس مشترکات گوناگون بهم متصل شوند. در حقیقت، یک شبکه اجتماعی سایت یا مجموعه سایتی است که کاربران آن دوست دارند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند (سلطانی فر، ۱۳۸۹، ص ۵۳). شبکه‌های اجتماعی از ابزارهایی صرفاً سرگرم‌کننده به ابزار اصلی ارتباطات و فعالیتی اصلی در بین جوانان بدل گشته‌اند و به نیرویی قدرتمند در شکل‌دهی به افکار عمومی، عقاید سیاسی و اجتماعی تبدیل شده‌اند (Omekwu et al., 2014).

نظریه‌های گوناگونی در زمینه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی طرح شده است، که هر یک، ابعادی از این مقوله را بررسی کرده‌اند؛ در ذیل به برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده و در نهایت، چارچوب نظری پژوهش را ارائه می‌شود.

نظریه جامعه شبکه‌ای^۱: کاستلز شبکه را حاصل تعامل دیالکتیکی روابط اجتماعی و نوآوری‌های فناوری می‌داند و بر این باور است، که گروه‌های اجتماعی، در جامعه شبکه‌ای به تعریف هویتشان برای شکل دادن به نهادهای اجتماعی، می‌پردازند (کاستلز، ۱۳۸۹، صص ۲۲ و ۲۳). شبکه‌های ارتباطی، الگوهای اتصالی هستند که توسط جریان پیام‌ها در بین گیرندگان پیام در فضا و در طول زمان، خلق می‌شوند. همچنین، شبکه‌ها جریان‌ها را پردازش می‌کنند. جریان‌ها، به گردش مداوم اطلاعات بین گره‌ها، اطلاق می‌شود. یک شبکه، به وسیله برنامه‌ای که اهداف و قواعد عملکرد آن را ترسیم می‌کند، تعریف می‌شود. در شبکه‌های اجتماعی و بین سازمانی، کنشگران اجتماعی، ارزش‌ها و علایق خویش را رواج می‌دهند و در تعامل با سایر کنشگران اجتماعی، نقطه پیدایش و برنامه‌ریزی شبکه‌ها می‌شوند (Castells, 2009, p.20). به طور کلی ایده‌های کلیدی کاستلز، جامعه شبکه‌ای، فضای جریان‌ها و واقعیت مجازی است، او با تأکید بر تغییراتی که فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات پدید آورده است، قدرت و حوزه کارکرد شبکه‌ها را در قالب نظریه جامعه

شبکه‌ای تحلیل می‌کند. نظریه کاستلز درباره جامعه شبکه‌ای مبتنی بر این اصل است که کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات به گونه‌ای فزاینده پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابند و منطق جامعه شبکه‌ای در حال سرایت به همه فضاها و زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (خانیک‌ی و بابایی، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

نظریه مصرف^۱ و رضایتمندی: نظریه مصرف و رضایتمندی، در پی بررسی و تحلیل انگیزه‌ها و عللی است که مخاطب را به طرق مختلف وا می‌دارد تا از طریق این رسانه‌ها، به رفع نیازهای خود پردازد. نیازهایی مثل نیاز به هدایت، امنیت، کنش متقابل و دوری از تنش و فراغت. فرض اصلی این نظریه این است که کاربران، به صورت فعال، دنبال محتوایی هستند که بیشترین رضایت را برای آن‌ها فراهم کند. درجه این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد؛ هر قدر افراد بیشتر احساس کنند که محتوای رسانه، نیاز واقعی آنان را برآورده می‌کند، احتمال اینکه آن محتوا را انتخاب کنند بیشتر است، و بنابراین در شبکه‌های اجتماعی به ارضای نیازهای خود می‌پردازند (فرزانه و فلاحتی شهاب‌الدینی، ۱۳۹۴، ص ۴).

نظریه اعتماد اجتماعی^۲ به رسانه؛ اعتماد، همان طور که گیدنز^۳ مطرح می‌کند، در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار بوده است. چرا که افراد هر چه فاصله زمانی و مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی داشته و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رودرو رخ می‌داد، در روابط اجتماعی افراد، چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد نبود، زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود داشت؛ اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیاز است (ریتزر^۴، ۱۳۸۶، ص ۷۶۷). در رویکرد اعتماد به رسانه‌ها، هر قدر اعتماد مردم به رسانه‌ها بیشتر باشد، تأثیرگذاری رسانه‌ها در مواجهه با

1. Consumption Theory
2. The Theory of Social Trust
3. Giddens
4. Ritzer

مخاطب و ادامه ارتباط بیشتر است، و هنگامی که مخاطب اطمینان خود به اخبار رسانه‌های دولتی، مخصوصاً در زمینه اخبار داخلی را از دست بدهد، بی‌اعتمادی به نظام افزایش می‌یابد. در این حالت، مخاطب به رسانه‌های دیگری از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی روی می‌آورد تا بدانند واقعاً چه خبر است و واقعیت چیست؟ همان‌سازی و یکسان‌نگری و نادیده‌گرفتن نیازهای متنوع مخاطبان در تولید و پخش برنامه‌ها، به بی‌اعتمادی به رسانه منجر شده است (فرزانه و فلاحتی شهاب‌الدینی، ۱۳۹۴، ص ۵).

نظریه حوزه عمومی^۱: یکی از مباحث مطرح‌شده توسط هابرماس^۲، مسئله حوزه عمومی است. حوزه عمومی مورد نظر هابرماس، همان حوزه سیاست و اجتماع است که، افکار عمومی می‌توانند در آن به طور آزادانه به گفتگو بپردازند و از طریق مفاهیم و استدلال و در شرایطی عاری از هر گونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی یا بیرونی، مجموعه‌ای از رفتارها و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید کنند که، در نهایت به صورت ابزاری مؤثر برای اثر گذاشتن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی‌کردن قدرت دولتی عمل می‌کند (رزاقی، ۱۳۸۵، ص ۲۳). هابرماس جامعه اطلاعاتی و جهانی شدن رسانه‌ای را در قالب حوزه عمومی و همگانی مورد توجه قرار داده است. او اینترنت را محیطی می‌داند که یک حوزه و فضای عمومی را در جامعه فراهم کرده است. حوزه عمومی هابرماس، عرصه‌ای است که در آن حضور افراد در مباحث باز و علنی و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفت‌وگو تحقق می‌یابد (آذرنگ، ۱۳۸۲، ص ۶۵)، و این حوزه فقط در جوامع باز و مردم‌سالار شکوفا می‌شود، قدرت در آن دخالتی ندارد و در این فضا گفت‌وگوها به صورت آزادانه انجام شده و افراد می‌توانند مسائل مورد علاقه، حتی خصوصی خود را مطرح کنند.

چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر نظریه حوزه عمومی و همگانی هابرماس است. بر اساس این نظریه، شبکه‌های اجتماعی مجازی، حوزه و فضای عمومی محسوب می‌شوند که در آن حقوق افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می‌شود و جماعت سیاسی شکل می‌گیرد (ریبئی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹۶). مفهوم «حوزه عمومی» به ضرورت‌های جوامع دموکراتیک، به

1. Public Sphere

2. Habermas

پایدارسازی فضای گردش اطلاعات، تبادل عقاید و برقراری گفتگو اشاره دارد. این فضا باید مستقل از نهادهای دولتی بوده و از فشارهای بخش خصوصی نیز رها باشد. به عبارتی استراتژی‌هایی که نهادهای دولتی در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی اتخاذ می‌کنند، تا حد زیادی بر کیفیت ارتباطات در این فضا تأثیر می‌گذارد. در واقع، این فضایی است که رفتار شهروندان را تسهیل و تشویق می‌کند (کرنر^۱، ۱۳۹۲، ص ۴۱). به باور هابرماس، فروپاشی حوزه عمومی به علت دخالت دولت در امور خصوصی و حل و جذب شدن جامعه در درون دولت صورت می‌گیرد. به این علت که پیدایش حوزه عمومی نتیجه تفکیک آشکار و روشن حوزه خصوصی و قدرت عمومی بود، نفوذ متقابل این دو درهم جبراً حوزه عمومی را نابود می‌کند. سیاست حزبی و دستکاری رسانه‌های جمعی به وضعیتی می‌انجامد که هابرماس از آن به عنوان «فئودالی شدن دوباره» حوزه عمومی یاد می‌کند، وضعیتی که در آن نظام نمایندگی و ظواهر بر مباحثه عقلانی می‌چربد (هولاب^۲، ۱۳۹۱، ص ۲۹). از نظر هابرماس یکی از عوامل اصلی بازفئودالی شدن حوزه عمومی، رسانه‌های ارتباط جمعی هستند، چرا که سلطه روزافزون رسانه‌های گروهی به ویژه تحت شرایطی که منطق تجارت، بخش اعظم ارتباط جمعی را به مقوله روابط عمومی، تبلیغات و سرگرمی تقلیل می‌دهد، موجب افول قوای انتقادی مردم می‌گردد. عموم جامعه چندپاره می‌شود و همگنی اجتماعی خود را از کف می‌دهد. توده مردم به جمعیتی از تماشاچیان تقلیل داده می‌شود که هر از گاهی تحسین و اعلام حمایتش از برنامه‌ها یا آرمان‌های مختلف حکومتی برانگیخته می‌شود، اما مداخله‌اش در مسائل بنیادین جامعه در حداقل نگاه داشته می‌شود (دالگرن^۳، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

پیشینه پژوهش

تحقیقات بی‌شماری در زمینه شبکه‌های اجتماعی مجازی در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. فرزانه و فلاحتی شهاب‌الدینی (۱۳۹۴)، پژوهشی

1. Corner
2. Holub
3. Dahlgren

با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی» انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان اعتقادات، نگرش خانواده دانش‌آموزان و گرایش آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش ابراهیمی فر و یعقوبی فر (۱۳۹۳)، نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی معیاری برای تأثیرگذاری بر انتخابات در ایران و نیز فضای سیاسی کشور است. یافته‌های پژوهش مهانیان و مجردی (۱۳۹۳) نیز به اهمیت و نقش راهبردهای ایجابی، مانند تشکیل اتاق جنگ شبکه‌های اجتماعی مجازی، تربیت نخبگان فضای مجازی، فرهنگ‌سازی و آموزش فضای مجازی، صحنه گذاشتند. عدلی‌پور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «حوزه عمومی و گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی» نشان دادند که، هر چند این شبکه‌ها امکان گفت‌وگو را ارتقا می‌دهند، اما مخدوش‌کننده نیز هستند. محدودیت مورد نظر اساساً از توزیع نابرابر امکان‌های مرتبط با اینگونه فناوری‌ها ناشی می‌شود و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی، گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها را مخدوش می‌کند. در واقع، شبکه‌های اجتماعی به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می‌آورند، گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. عدلی‌پور (۱۳۹۱)، در پژوهشی دیگر به بررسی تأثیرات و پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان پدیده‌ای نوظهور هم دارای آثار مثبت و هم آثار منفی می‌باشند. آثار منفی و تهدیدات آن عبارت‌اند از دگرگونی مفاهیم مکان، زمان، فضا و منابع فرهنگی، به چالش کشیده‌شدن هویت‌های اصیل و سنتی، رواج هویت‌های سیال و ناپایدار، گمنامی و ناشناس ماندن و سرقت هویت؛ و آثار مثبت آن عبارت‌اند از افزایش منابع هویتی، آزادی عمل افراد برای کسب منابع مورد نیاز و آزادی افراد از چنگال عوامل و متولیان فرافردی هویت‌ساز. پژوهشی دیگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت توسط معمار و همکاران (۱۳۹۱) انجام شد. یافته‌های آن نشان داد که فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان بوجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی، ناهمگونی‌های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین، شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده و عوامل

معناساز هویتی را دستخوش تغییر کرده‌اند. آقانوری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود به بررسی انگیزه و تمایلات کاربران اینترنت برای عضویت در فیس‌بوک و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد بین میزان سرمایه اجتماعی کاربران با میزان استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی مجازی تفاوت معناداری وجود دارد و این همبستگی در حد بالایی است، همچنین، بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی ارتباط وجود دارد و میزان این ارتباط نیز در حد متوسطی قرار دارد. پاترا^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت و حضور در شبکه‌های اجتماعی: مطالعه کاربران هندی»، به بررسی دلایل حضور کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخت و یافته‌های آن نشان داد که در فضای شبکه‌های اجتماعی، افراد راحت‌تر از فضاهای عینی و فیزیکی صحبت می‌کنند و احساسات خود را بیان می‌کنند. چن و مارکوس^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «خوداظهاری دانشجویان در فیس‌بوک و سنجش متغیرهای شخصیتی و خودکنترلی» به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه می‌توان نظریات موجود در خصوص خوداظهاری را به فضای مجازی و آنلاین و حیطه آموزش عالی تعمیم داد. آن‌ها در مطالعه خود، چگونگی استفاده ۴۶۳ نفر دانشجویان از فیس‌بوک را بررسی کرده و نقشی که شخصیت و فرهنگ، در ارائه اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد را، مطالعه کردند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد ارائه اطلاعات توسط افراد در حالت مجازی و در حالت حضوری، متفاوت است و متغیرهای شخصیت و فرهنگ بسیار تأثیرگذارند. در مطالعه‌ای که مؤسسه پیو^۳ (۲۰۱۲) انجام داد، نتایج نشان داد که، والدین نگرانی‌های مختلفی در خصوص چگونگی استفاده فرزندان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی داشته، و تا حد زیادی به این می‌اندیشند که استفاده از اینترنت چگونه حریم شخصی فرزندان را متأثر می‌سازد. این مطالعه که بر روی ۸۰۲ والد و فرزندان نوجوان آن‌ها انجام شد، نشان داد ۷۲ درصد از والدین نگران آن

1. Patra
2. Chen & Marcus
3. Pew

بودند که، فرزندشان در فضای اینترنت، با افرادی که آن‌ها را نمی‌شناسند، چگونه تعامل دارند؟ ۶۹ درصد از والدین نیز نگران بودند رفتارهای آنلاین فرزندانشان چگونه ممکن است بر آینده تحصیلی و شغلی فرزندشان تأثیر گذارد؟ (اکبری تبار و اسکندری پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴). گراسموک^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، پژوهشی با عنوان «محیط مجازی و تفاوت گروه‌های مختلف نژادی» انجام دادند. آن‌ها با تحلیل ۸۳ پروفایل فیسبوک و ۶۳ مصاحبه حضوری به این نتیجه دست یافتند که هویت‌های قومی، در شبکه‌های مجازی چشمگیر و شفاف هستند. سرمایه‌گذاری شدید و متمرکز در به نمایش گذاشتن صریح ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روایت‌های شخصی، بازتاب‌دهنده مقاومتی خاص در اقلیت‌های قومی با ایدئولوژی برابری است.

روش‌شناسی پژوهش

نگاه پژوهش حاضر به شبکه‌های اجتماعی مجازی، در واقع نگاهی با رویکرد آینده‌پژوهی، همراه با در نظر گرفتن عدم قطعیت‌هاست، عدم قطعیتی^۲ که در پژوهش‌های اجتماعی کمتر بدان توجه شده است. دونالد رامسفلد درست هنگامی که درگیر رسیدگی به مشکلات جنگ بود، جملاتی را به خبرنگاران گفت که نشان‌دهنده عدم قطعیت و نقش مهم آن در بررسی پدیده‌ها، برنامه‌ریزی و تعیین استراتژی برای آن‌ها بود؛ او به خبرنگاران گفت: «حقیقت این است که برخی پدیده‌ها وجود دارند که می‌دانیم که می‌دانیم - این پدیده‌ها، پدیده‌های شناخته شده‌اند؛ برخی پدیده‌ها وجود دارند که می‌دانیم که نمی‌دانیم - این پدیده‌ها، ناشناخته‌های شناخته شده‌اند؛ و در آخر پدیده‌هایی وجود دارند که ما هنوز نمی‌دانیم که نمی‌دانیم» (Rumsfeld, 2001). جمله آخر رامسفلد اشاره به عدم قطعیت در محیط دارد؛ شناسایی و تصمیم‌گیری در زمینه سیستم‌های انسانی نیز همیشه با مشکل عدم قطعیت مواجه است (Jarvis, 2011, p.299) که، در این پژوهش سعی شده تا از طریق مصاحبه با خبرگان حوزه رسانه و ارتباطات، عدم قطعیت‌های این حوزه شناسایی شود. این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و پانل خبرگان انجام شده است؛ پس از مرور اسناد و تحقیقات انجام شده در زمینه

1. Grasmuck
2. Uncertainty

شبکه‌های اجتماعی مجازی، با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت‌یافته اکتشافی با تعدادی از متخصصان حوزه رسانه، مصاحبه‌هایی صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش متشکل از ۱۴ نفر از خبرگان این حوزه می‌باشد که، به روش گلوله برفی انتخاب شدند؛ پس از اشباع نظری و رسیدن به پاسخ‌های مشابه، فرایند انجام مصاحبه اتمام یافت و در نهایت بر اساس اسناد و مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، سناریوهای پیش روی سازمان‌های دولتی در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی ترسیم گردید.

یافته‌های پژوهش

شناسایی عدم قطعیت‌ها

پس از مرور اسناد و مطالعات انجام شده، و همچنین از طریق مصاحبه‌هایی که با خبرگان انجام شد، سه نیروی اصلی تأثیرگذار بر شبکه‌های اجتماعی شناسایی شد که شامل افراد و کنش‌های فردی، نهادهای مدنی و نهادهای دولتی می‌شود. همچنین، ۹ عدم قطعیت مهم شناسایی شد که عبارت‌اند از راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی بومی، نظارت خانواده و والدین، اشتغال، وضعیت تحصیلی، جرایم و امنیت، اخلاق، مشارکت نهادهای مدنی و نوع عضویت افراد. عدم قطعیت‌های شناسایی شده براساس پانل خبرگان در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. عدم قطعیت‌های شناسایی شده براساس پانل خبرگان

استقبال کم	استقبال زیاد	راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی بومی
کاهش نظارت	افزایش نظارت	نظارت خانواده و والدین
افزایش بیکاری و نابسامانی اقتصادی	بهبود وضعیت اقتصادی و اشتغال	اشتغال
افت تحصیلی	بهبود وضعیت تحصیلی	وضعیت تحصیلی
کاهش جرایم و افزایش امنیت	افزایش جرایم و کاهش امنیت	جرایم و امنیت
کاهش مناسبات اخلاقی	افزایش مناسبات اخلاقی	اخلاق
کاهش مشارکت	افزایش مشارکت	مشارکت نهادهای مدنی در شبکه‌های اجتماعی
برخورد مشارکتی	برخورد قهری	دولت
- عضویت منفعلانه - عضویت در گروه‌های نامناسب	- عضویت فعال - عضویت در شبکه‌های مفید	عضویت افراد

از میان عدم قطعیت‌های شناسایی شده (جدول ۱) بر اساس دو معیار شدت و اهمیت عدم قطعیت، سه عدم قطعیت برخورد افراد با شبکه‌های اجتماعی مجازی، فعالیت نهادهای مدنی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و مکانیزم نهادهای دولتی به عنوان مهم‌ترین عدم قطعیت‌ها انتخاب شدند و فضای سناریوهای آینده شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران ترسیم شد.

سه موج اصلی مواجهه با شبکه‌های اجتماعی

بر اساس پانل خبرگان، سه موج اصلی، در برخورد با شبکه‌های اجتماعی مجازی شناسایی گردید، این سه موج، مکانیزم فعالیت افراد، مکانیزم فعالیت نهادهای مدنی و مکانیزم فعالیت نهادهای دولتی در قبال شبکه‌های اجتماعی مجازی را نشان می‌دهد، که در ادامه ابتدا به تشریح این سه موج می‌پردازیم و در نهایت فضای سناریوی پیش‌روی شبکه‌های اجتماعی مجازی را ترسیم خواهیم کرد.

۱. **موج اول، برخورد انفعالی افراد و نهادهای مدنی:** موج اول، پذیرش و انفعال فرد در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی را دربرمی‌گیرد. از یکسو، افراد قدرت تجزیه و تحلیل فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی را ندارند، به همین دلیل هر چه که از طریق این شبکه‌ها دریافت می‌کنند را می‌پذیرند؛ از سوی دیگر، در این مرحله فراوانی و حجم زیاد اطلاعات باعث سردرگمی افراد می‌شود. در این مرحله، نهادهای مدنی مشارکت چندانی در فعالیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی ندارند و تنها به انجام فعالیت‌های محدودی بسنده می‌کنند. نقش نهادهای دولتی، در این مرحله اغلب تأکید بر آسیب‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی و اتخاذ رویکردی تدافعی است.

۲. **موج دوم، تحریم:** استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی مجازی، افراد را با آسیب‌ها و مسائل بیشماری مواجه می‌کند، به نحوی که حتی در فعالیت‌های روزمره آن‌ها نیز اختلالاتی را ایجاد می‌کند، به همین دلیل، پس از مدتی، افراد برای مقابله با این آسیب‌ها، در نحوه استفاده خود تجدید نظر کرده و از عضویت در برخی کانال‌ها و گروه‌های اجتماعی اجتناب می‌کنند. در این موج، نهادهای دولتی نیز در افزایش آگاهی افراد در زمینه آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش

دارند، چرا که از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های خبری اینترنتی، بر آسیب‌هایی نظیر سرقت، جعل هویت و ... تأکید می‌کنند.

۳. موج سوم، تعامل و گزینش: پس از گذار از دو مرحله قبلی، با مشارکت فعال نهادهای مدنی، افراد در رابطه با شبکه‌های اجتماعی مجازی آگاهی بیشتری پیدا کرده و بصورت هدفمند به استفاده از این شبکه‌ها می‌پردازند. در این مرحله نهادهای مدنی با فعالیت مداوم در شبکه‌های اجتماعی، مکانیزمی آگاهی‌بخش و فعال‌کننده دارند که با تأثیرگذاری بر افراد، موجب می‌شوند تا آن‌ها بصورت گزینشی و آگاهانه، گروه‌های آموزنده و مفید را انتخاب و از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارها و کانال‌های ارتباط اجتماعی، آموزشی، شغلی، مدنی و... استفاده کنند. نهادهای دولتی نیز از طریق فعالسازی شبکه‌های بومی متناسب با نیاز افراد، آموزش خانواده‌ها و بسترسازی جهت فعالیت بیشتر نهادهای مدنی، در این مرحله، وارد رویکردی تعاملی می‌شوند. در جدول ۲ این سه موج به صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۲. سه موج اصلی مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی

مکانیزم برخورد با			موج‌های اصلی
افراد جامعه	گروه‌های مؤثر و نهادهای مدنی	دولت و نهادهای دولتی	
برخورد انفعالی	برخورد انفعالی	برخورد قهری	موج اول
آگاهی در رابطه با معضلات و مسائل شبکه‌های اجتماعی مجازی	مشارکت محدود نهادها در شبکه‌های اجتماعی مجازی	هشدار و اطلاع‌رسانی در رابطه با آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی (کاهش میزان استفاده از مکانیزم قهری)	موج دوم
افزایش آگاهی و برخورد تعاملی افراد با شبکه‌های اجتماعی مجازی	فعالیت گسترده نهادهای مدنی	بسترسازی در شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی و آموزش خانواده‌ها و والدین	موج سوم

سناریوهای مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی

بررسی پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد اکثر مطالعات تمرکزشان بر شناخت فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، آسیب‌ها، تهدیدات و در موارد محدودی بر روی نکات مثبت استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده است. از جمله آسیب‌ها و تهدیداتی که از آن‌ها در اکثر تحقیقات، نام برده می‌شود عبارت‌اند از افت تحصیلی دانش‌آموزان، افزایش روابط خارج از چارچوب خانواده، اختلال در روابط اجتماعی، به خطر افتادن حریم خصوصی افراد، به خطر افتادن بنیان خانواده، کاهش اعتماد زن و شوهر به یکدیگر، افزایش اختلافات خانوادگی، افزایش افسردگی، انزوا و دور شدن افراد از روابط واقعی. پس از مصاحبه با اصحاب رسانه، متخصصان شبکه‌های اجتماعی مجازی و همچنین بررسی اسناد و مدارک موجود، با عطف توجه به سه عدم قطعیت اصلی پژوهش حاضر که افراد، نهادهای دولتی و نهادهای مدنی می‌باشند، چهار سناریو طراحی شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

فضای سناریوی اول: این سناریو از یکسو با برخورد انفعالی افراد در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی و از سوی دیگر با رویکرد مشارکتی دولت مواجه است. برخورد انفعالی بدان معناست که افراد در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی، مجذوب امکانات و ویژگی‌های آن شده، و در این فضا، نوعی شیفتگی در برابر شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد. در سال‌های نخست ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به ایران، افراد بسیاری، خصوصاً نوجوانان و جوانان، با دسترسی به اینترنت در گروه‌های گوناگون عضو می‌شدند؛ به عنوان مثال یکی از پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی مجازی، وایبر^۱ و پس از آن نیز شبکه‌های اجتماعی دیگری نظیر وی‌چت^۲، بی‌تاک^۳، واتساپ^۴، لاین^۵ و تلگرام^۶ بود که به سرعت رشد یافته و به طور وسیعی یکی پس از دیگری وارد عرصه فضای مجازی

-
1. Viber
 2. WeChat
 3. Bee Talk
 4. WhatsApp
 5. Line
 6. Telegram

شدند. یکی از دلایل گسترش این شبکه‌ها، کم‌هزینه بودن آنهاست، به گونه‌ای که از یکسو افراد، می‌توانند با هزینه اندک با یکدیگر تماس صوتی، تصویری و نوشتاری برقرار کنند و از سوی دیگر نیز با عضویت در گروه‌های متنوع به گفتگو و تبادل اطلاعات بپردازند. در مقابل نهادهای دولتی معتقدند که شبکه‌های اجتماعی مجازی مملو از مدل‌های غیربومی و ناهماهنگ با فرهنگ بومی کشور بوده و با ورودشان به کشور، موجب آسیب‌های خانوادگی، اجتماعی بسیاری شده‌اند؛ بنابراین برخی نهادهای دولتی اقدام به راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی بومی کرده تا بدین طریق افراد جامعه را به سمت شبکه‌های داخلی هدایت کرده و از جذابیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی جهانی بکاهند. از جمله شبکه‌های اجتماعی داخلی که در ایران راه‌اندازی شده، شبکه‌های اجتماعی‌ای نظیر فیسبوک ایرانی، بهشت، پردیس من، هم‌میهن، فیس‌نما، هفت آسمان، اندیشگر، نگاه، هم‌دیار، دنج‌نما، تیان و ... هستند، که به دلیل ضریب نفوذ بالای شبکه‌های اجتماعی جهانی، کمتر مورد استقبال قرار گرفته و به مرور زمان به دلیل عدم تطبیق و عدم توجه به نیازهای جوانان و مخاطبان از تعداد مخاطبان و کاربران آنها کاسته شده است. در این فضا، فعالیت نهادهای مدنی محدود بوده و مشارکت و فعالیت چندانی در عرصه شبکه‌های اجتماعی مجازی ندارند.

فضای سناریوی دوم: در این فضا از یکسو، رفتار افراد در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی انفعالی بوده و از سوی دیگر، دولت مکانیزم تدافعی در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی اتخاذ می‌کند. افراد در بیشتر مواقع، با عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی متفاوت، اوقات فراغت خود را سپری می‌کنند، سیر افراد در این گونه شبکه‌ها بدون رصد و گزینش محتوای پیام‌ها و گفتگوها رخ می‌دهد و بالطبع این روند به مسائل گوناگونی منجر می‌شود. در این فضا، اکثر افراد بدون آگاهی از پیامدهای ارتباط در شبکه‌های اجتماعی مجازی و مخاطرات ناشی از آن، به عضویت در این شبکه‌ها و تعامل با هویت‌های مجازی می‌پردازند. آسیب‌های متعددی در شبکه‌های مجازی وجود دارد که برخی از این آسیب‌ها عبارتند از: نقض حریم خصوصی، هدر رفتن زمان، افزایش تنش روانی در فرد، افسردگی، اختلال در روابط خانوادگی و افزایش طلاق؛ ولیکن شبکه‌های

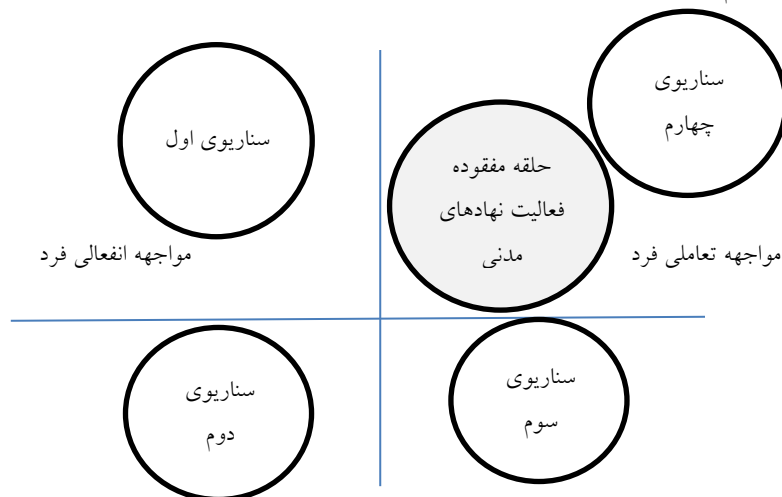
اجتماعی مجازی آثار مثبتی نظیر افزایش آگاهی از مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سهولت در ارتباط با دیگران، اطلاع‌رسانی سریع و ... را نیز دربردارند. در اینجا، دولت با آگاهی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، مکانیزمی تدافعی و هشدار دهنده را در پیش می‌گیرد و با تشکیل تیم‌های متخصص به بررسی تهدیدات و مخاطرات ناشی از عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌پردازد. علاوه بر این، به طور مستمر شهروندان را از این آسیب‌ها آگاه می‌کند؛ اما در قبال این مسائل، به ارائه راهکار و راه حل اساسی نپرداخته و تنها به توصیف آسیب‌ها و وضعیت موجود بسنده می‌کند. در این فضا نیز، همانند فضای قبل، نهادهای مدنی هم‌چنان وارد عرصه فعالیت جدی نشده و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجازی را مسکوت گذاشته‌اند.

فضای سناریوی سوم: این سناریو وقتی رخ می‌دهد که جامعه از انفعال و سرخوردگی ناشی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی عبور کرده و وارد مرحله تعامل و گزینشگری می‌شود. بدین معنی که افراد پس از درک آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، از حالت کاربران منفعل به کاربران فعال تبدیل شده و از میان انبوه پیام‌ها و حجم زیاد اطلاعات، دست به انتخاب می‌زنند. به طور کلی در این فضا، اعضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، به صورت تعاملی با این شبکه‌ها برخورد کرده، سعی در گزینش و تحلیل پیام‌های آن دارند؛ چرا که پس از مواجهه با آسیب‌ها و مسائل ناشی از عضویت در شبکه‌های اجتماعی، به تدریج بر میزان آگاهی آن‌ها افزوده می‌شود و به کنشگرانی آگاه و منطقی تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر، در این فضا، نهادهای دولتی با مکانیزم تدافعی و هشداردهنده با شبکه‌های اجتماعی مجازی برخورد کرده و هنوز وارد مرحله ظرفیت‌سازی و بسترسازی نشده‌اند. بدین معنی که نهادهای دولتی، تنها از طریق اطلاع‌رسانی به عموم جامعه درباره آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، سعی در بازداشتن و آگاه‌کردن افراد از مضرات این شبکه‌ها دارند. ولی در این فضا نیازی به تکرار هشدارها و مخاطرات نیست؛ چرا که افراد، آگاهی لازم جهت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را کسب کرده و در مقایسه با فضای سناریوی اول و دوم، به میزان اندکی در معرض مخاطرات ناشی از شبکه‌های اجتماعی قرار دارند. بنابراین، ضروری است

نهادهای دولتی به‌جای بررسی، تحلیل و هشدار مجدد آسیب‌های اجتماعی این شبکه‌ها، به بسترسازی و بکارگیری ظرفیت‌ها در این راستا پردازند.

فضای سناریوی چهارم: در این فضا، که فضای مطلوب شبکه‌های اجتماعی مجازی محسوب می‌شود، افراد پس از عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و آشنایی با آسیب‌ها و مضرات ناشی از عضویت در آن، به آگاهی بیشتری در رابطه با مخاطرات این شبکه‌ها دست می‌یابند و بصورت گزینشی دست به انتخاب می‌زنند؛ در واقع، در اینجا ارتباط بین فرد و شبکه‌های اجتماعی مجازی، نه تنها ارتباطی یکسویه نبوده، بلکه ارتباطی دوسویه و تعاملی می‌باشد. در اینجا نهادهای مدنی با فعالیت گسترده در عرصه شبکه‌های اجتماعی مجازی، سعی دارند افراد را به سمت عضویت در گروه‌های مناسب و هدفمند سوق داده و آن‌ها را به سوی مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بوم‌شناختی هدایت کنند. در واقع، نهادها و سازمان‌های مدنی، حلقه مفقوده ارتباط کاربران، دولت و شبکه‌های اجتماعی می‌باشند؛ چرا که نهادهای مدنی می‌توانند از طریق اطلاع‌رسانی و برگزاری برنامه‌های متعدد در شبکه‌های اجتماعی مجازی و واقعی، افراد را از حالت کاربر منفعل و تأثیرپذیر از شبکه‌های اجتماعی مجازی، به کاربر مؤثر و فعال در زمینه‌های گوناگون تبدیل کنند. در این فضا، دولت و نهادهای دولتی از یکسو با فراهم آوردن بستری برای فعالیت نهادهای مدنی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و از سوی دیگر، با ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی متناسب با نیازهای افراد جامعه، تهدیدهای موجود در این شبکه‌ها را تبدیل به فرصت کرده و بر آگاهی و مشارکت کاربران در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی، فرهنگی و سیاسی می‌افزاید.

مکانیزم مشارکتی نهادهای دولتی در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی (ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی)



مکانیزم تدافعی نهادهای دولتی در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی

شکل ۱. سناریوهای مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی

نتیجه‌گیری

مرور تحقیقات انجام گرفته در حوزه شبکه‌های اجتماعی مجازی، نشان‌دهنده وجود خلأ پژوهش‌هایی با دیدگاهی منسجم است؛ زیرا اغلب مطالعات انجام شده در این حوزه، فاقد نگاهی جامع بوده و تنها به بررسی بعد یا بعضاً ابعادی از این پدیده پرداخته‌اند. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است با به‌کارگیری دیدگاهی آینده‌پژوهانه به بررسی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی بپردازد؛ در این راستا، پس از تحلیل این پدیده با رویکرد آینده‌پژوهانه، سه موج و چهار فضای سناریویی ترسیم گردید. هر موج، از یکسو بیان‌کننده مکانیزم مواجهه افراد با شبکه‌های اجتماعی مجازی و از سوی دیگر، بیان‌کننده استراتژی نهادهای دولتی در برابر آن است. علاوه بر بررسی دو مکانیزم مواجهه افراد و استراتژی‌های نهادهای دولتی در برابر شبکه‌های اجتماعی مجازی، مکانیزم مواجهه نهادهای مدنی نیز در این زمینه بررسی شد. به طور کلی چهار سناریوی مختلف استخراج شد، که در هر یک از این سناریوها، مکانیزم برخورد افراد، نهادهای دولتی و در نهایت نهادهای مدنی در مواجهه با

شبکه‌های اجتماعی مجازی تحلیل شد. در این بین، نهادهای مدنی، نقش ویژه‌ای را در فعال‌سازی، آگاهی‌بخشی و هدایت افراد به سمت رویکرد و نگاه تعاملی بازی کرده و حلقه مفقوده و حلقه واسط میان تصمیم‌های نهادهای دولتی و افراد در دستیابی به سناریوی مطلوب محسوب می‌شوند؛ چرا که با اشاعه فعالیت‌های مدنی، فرهنگی، داوطلبانه، بوم‌شناسانه و... می‌توانند افراد را به سمت مشارکت و فعالیت هدایت کنند و از میزان انفعال، بی‌تفاوتی مدنی و عضویت در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی آسیب‌زا بکاهند و به نوعی تهدیدات شبکه‌های اجتماعی مجازی را به فرصت تبدیل کنند. پیشنهاد مقاله حاضر در زمینه سیاست‌گذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر این است که، فعال-سازی همزمان استراتژی‌های مدنی، برنامه‌ریزی‌های دولتی و آموزش‌های فردی، عقلانی‌ترین روش جهت بهینه‌سازی استفاده از شبکه‌های اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و در نهایت تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها است.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره، و یعقوبی فر، حامد (۱۳۹۳). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر افکار عمومی: بررسی موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸. *مجله دانش انتظامی پلیس پایتخت*، ۷(۱)، ۹۴-۶۹.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۲). *پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*. تهران: نشر آگه.
- آقانوری، سحر (۱۳۹۰). *بررسی انگیزه و تمایلات کاربران اینترنتی برای عضویت در فیسبوک و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- اکبری تبار، علی‌اکبر، و اسکندری پور، ابراهیم (۱۳۹۲). *رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی*. تهران: نشر مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال.
- آگروال، چاروسی (۱۳۹۷). *تحلیل شبکه‌های اجتماعی*. ترجمه مهدی اسماعیلی. چاپ اول، تهران: نشر نیاز دانش.
- امیرپور، مهناز، و گریوانی، مهناز (۱۳۹۳). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان. *دانش انتظامی استان خراسان*، ۱(۳)، ۳۹-۲۳.
- خانیک، هادی، و بابائی، محمود (۱۳۹۱). تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت، بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران. *علوم اجتماعی*، ۵۶، ۱۱۵-۷۳.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۵). *تلویزیون و گستره عمومی*. ترجمه مهدی شفقتی، تهران: سروش.
- ریبعی، علی، علی‌خانی، زهره، و غلامی، فرزاد (۱۳۹۱). تحلیل وبلاگ‌های سیاسی-اجتماعی با رویکرد حوزه عمومی هابرماس. *مجله جهانی رسانه*، ۲، ۱۲۳-۹۰.
- رزاقی، افشین (۱۳۸۵). *نظریه‌های ارتباطات اجتماعی*. چاپ دوم، تهران: نشر آسیم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی تهران: نشر علمی.

- سلطانی‌فر، محمد (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی نوین و روابط عمومی الکترونیک*. چاپ اول، تهران: انتشارات سیمای شرق.
- عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۱). *تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- فرزانه، سیف‌الله، و فلاحتی شهاب‌الدینی، راضیه (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی: مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهر بابل. *مشارکت و توسعه اجتماعی*، ۱(۱)، ۲۲-۲.
- فیروزآبادی، ابوالحسن (۱۳۹۵). کاربرد شبکه‌های اجتماعی در ایران. *یازدهمین همایش ملی روابط عمومی*.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ظهور جامعه شبکه‌ای*. جلد اول، چاپ ششم، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان. تهران: انتشارات طرح نو.
- کرنگ، جان (۱۳۹۲). *اندیشه‌های انتقادی در مطالعات تلویزیونی*. ترجمه مهدی رحیمیان، تهران: دانشگاه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- معمار، ثریا، عدلی‌پور، صمد، و خاکسار، فائزه (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت با تأکید بر بحران هویتی ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۴)، ۱۷۶-۱۵۵.
- مهانیان، علیرضا، و مجردی، سعید (۱۳۹۳). راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال شبکه‌های اجتماعی مجازی در جنگ آینده. *راهبرد دفاعی*، ۱۲(۴۶)، ۱۱۵-۷۹.
- هولاب، رابرت (۱۳۹۱). *یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی*. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

Castells, M. (2009). *Communication power*. Oxford University Press.

Chen, B., & Marcus, J. (2012). Students self-presentation on facebook: An examination of personality and self-construal factor. *Computers in Human Behavior*, 28(6), 2091-2099.

- Grasmuck, Sh., Martin, J., & Zhao, Sh. (2009). Ethno-Racial identity displays on Facebook. *Computer-mediated Communications*, 15(1), 158-188.
- Jarvis, D. S. L. (2011). Theorizing risk and uncertainty in international relations: Contributions of Frank Knight. *International Relations*, 25(3): 296-312.
- Omekwu, C. O., Eke, H. N., & Odoh, N. J. (2014). The use of social networking sites among the undergraduate students of University of Nigeria. *Nsukka, Library Philosophy and Practice* (e-Journal): 2-27.
- Patra, K. S. (2015). Online Participation and Self-Presentation in Social Networking Sites: A study of selective users of India. *Creative Communications*, 10(1): 89-104.
- Rumsfeld, D. (2001). Department of defense news briefing. Available at: www.defenselink.mil/transcripts/t3793.